



گفتگو با «الیاس طغیانی» نوازنده و خواننده موسیقی سنتی

موسیقی برای مردم تبدیل به سرگرمی شده است!

«الیاس طغیانی» متولد ۱۳۵۸ در شهر اصفهان است. فراگیری موسیقی را از دوران کودکی آغاز کرده و اینک در ۳۸ سالگی علاوه بر اینکه خواننده و نوازنده‌ای چیره دست است، در کسوت استادی هم موفق شده شاگردان زیادی تربیت کند. به بهانه انتشار نخستین آلبومش که «اوج رویا» نام دارد گفتگویی با وی انجام داده ایم که از نظر آن می‌گذرد:



«ظاهراً موسیقی در خانواده شما ارثی است. این که تحت تاثیر پدر، به طور حرفه‌ای موسیقی را ادامه دهید چقدر خواست خانواده بود و چقدر علاقه خودتان؟»

«بله. موسیقی در خانواده ما به صورت ارثی هم از طرف خانواده پدر و هم مادر وجود داشت اما خانواده در ابتدا خیلی موافق نبودند که من کارم را به صورت آکادمیک ادامه دهم، کم‌کم متقاعد شدند و موافقت کردند.»

«شما از شاگردان مرحومه "ناهید دایی جواد" بودید که چندی پیش فوت کردند. از کار با ایشان و تاثیراتی که بر نسل شما داشتند بگویید...»

«بنده از شاگردان استاد آواز، ردیف دان و اسطوره اخلاق سرکار خانم "ناهید دایی جواد" بودم. ایشان با اساتید بزرگی مانند حسن کسایی و جلیل شهنواز همکاری داشتند. از آن جایی که بیشترین تاثیر در موسیقی برای هر فرد در کودکی و نوجوانی اتفاق می‌افتد من این افتخار را داشتم که در سن ۱۴-۱۵ سالگی شاگرد ایشان بودم و درسهای زیادی آموختم.»

«ساز تخصصی شما چیست و چه سازهای دیگری می‌نوازید؟»

«ساز تخصصی من "تی" است که در هنرستان موسیقی با استاد ملکی شروع کردم و بعدش در خدمت استاد حسن کسایی بودم و بعد از آن در دانشگاه و بیرون از دانشگاه نزد اساتیدی مانند جمشید عنصلیبی، محمدعلی کیانی نژاد و زنده یاد حدادیان شاگردی کردم. بجز نی، تار، سه تار و تنبک هم می‌نوازم.»

«در آواز بیشترین تاثیر را از چه کسی گرفتید؟»

«در زمینه آواز در دوران کودکی تحت تاثیر اساتید بزرگی مانند شجریان، حسین خواجه امیری (ایرج)، بانو پریسا، مرضیه... بودم چون در خانه زیاد چنین آثاری را می‌شنیدم. اما در مکتب اصفهان بیشترین تاثیر را از استاد ناهید دایی جواد و دیگر اساتید مانند تاج اصفهانی و افتخاری گرفتم.»

«با توجه به اینکه شما سالهاست موسیقی تدریس می‌کنید وضعیت تدریس موسیقی در آموزشگاه‌های موسیقی را چطور ارزیابی می‌کنید؟»

«در آموزشگاه‌ها تدریس موسیقی جایگاه خوبی ندارد چون نظارتی بر آن نمی‌شود. به نظر من در آموزشگاه‌ها حتماً باید "بازرس" وجود داشته باشد و سرکشی کند. البته کسانی که فقط بازرس نباشند بلکه متخصص موسیقی باشند تا سابقه اساتید و نحوه آموزش دادن آنها را بررسی کنند. کسی که به عنوان استاد در آموزشگاه مشغول تدریس است باید یک

پیشینه تدریس ۴-۵ ساله داشته باشد یا اینکه به لحاظ تجربی رزومه قوی داشته باشد. من شنیده‌ام که متأسفانه بعضی از مسئولین آموزشگاه‌ها به خاطر اینکه درصد کمتری به مدرّسین بدهند؛ کسانی که ۲-۳ سال است ساز می‌زنند را به عنوان مدرس به کار می‌گیرند در حالی که آنها خودشان هنوز در حال یادگیری موسیقی هستند و نیاز به آموزش دارند. این می‌تواند تاثیر بسیار بدی داشته باشد بر روی هنرجویانی که تشنه یادگیری موسیقی هستند.

«در دانشگاه‌ها چطور؟»

«در دانشگاه‌ها وضعیت بهتر است چون مدرسان موسیقی باید یک تائیدیۀ علمی به عنوان ID دریافت کنند اما یک مشکل بزرگتر وجود دارد! کسانی که می‌خواهند تائیدیۀ بگیرند اول باید توسط حراست تائید شوند در حالی که باید اول علم و دانش طرف را بسنجند ولی اینجا برعکس کار می‌کنند!»

«نظر تان نسبت به موسیقی تلفیقی و گروه‌هایی که طی چند سال اخیر این شیوه را انتخاب کرده‌اند چیست؟»

«در زمینه موسیقی تلفیقی اگر هدف بیزینس باشد و بخواهند در یک مقطع کوتاه یک کار جدیدی انجام بدهند و بعد فراموش شوند، خوب نیست اما اگر با شناخت این کار را انجام بدهند و آگاهی وجود داشته باشد قطعاً ماندگار خواهند شد. هر کاری که با شناخت همراه باشد و اصول آن کار رعایت شود، دلنشین و ماندگار خواهد بود.»

«شما سالها ممارست کرده‌اید، دانشگاه رفته‌اید و تازه امسال اولین آلبومتان منتشر شده. خواننده‌هایی که بدون داشتن آلبوم و با یک آهنگ معروف می‌شوند آیا ماندگار خواهند بود؟»

«راه اصولی این است که یک هنرمند سالها تجربه و ممارست داشته باشد و هنگامی که به پختگی رسید آلبومش را ارائه کند اما اینکه آلبوم اول من الان منتشر شده ماجرا چیز دیگری است! من حدود ۱۴ سال پیش اقدام کردم اما ارشاد به خاطر یک بیت از شعرهای حافظ به ما مجوز نداد. گفتند شعر حافظ اشکال دارد! در حالی که شعر حافظ از صدها سال قبل وجود داشته و ربطی به دوران خاصی ندارد! گفتند که باید این بیت را حذف کنید و ما را اذیت کردند. طبیعتاً انگیزه آدم از بین می‌رود و این موضوع از دلایلی بود که بنده سعی کردم تدریس را ادامه بدهم و فعالیتی برای آلبوم نداشتم. مساله دیگر هم این بود که آن همدلی و صداقتی که باید بین هنرمندان موسیقی باشد متأسفانه خیلی کم‌رنگ شده و طبیعتاً آدم‌هایی که حساسیتشان یک مقدار بالاتر است ترجیح می‌دهند که فعالیتی نداشته باشند.»

«چرا خواننده‌هایی که سبک پاپ می‌خوانند معروفتر از خواننده‌های کلاسیک و سنتی هستند؟»

«چون جایگاه موسیقی در کشور مشخص نیست و بیشتر به عنوان سرگرمی به آن نگاه می‌شود. مردم به علت مشکلات اجتماعی اقتصادی که دارند بیشتر دلشان می‌خواهد موسیقی، تفریحشان باشد، پایکوبی داشته باشد و برای فهمیدنش انرژی زیادی لازم نباشد! در صورتی که موسیقی سنتی و اصیل ایرانی چیزی نیست که پشت فرمان ماشین فهمیده شود. موسیقی سنتی نیاز به اندیشیدن و فکر آزاد دارد. شنونده باید متمرکز شود تا بتواند با آن ارتباط برقرار کند.»

«درباره آلبومتان کمی توضیح بدهید. چند قطعه دارد و چه هنرمندانی با شما همکاری داشته‌اند؟»

«این آلبوم "اوج رویا" نام دارد و شامل هشت قطعه است. آهنگسازی و تنظیم کلیه قطعات را دوست قدیمی و هنرمند مسعود تدینی انجام داده است. خوشبختانه آن صمیمیت و رفاقتی که ما با هم داریم در کارهایی که تولید می‌کنیم هم وارد می‌شود. فضای کارها احساسی هستند و تمام تلاش خود را کرده‌ایم که به دل مخاطبان بنشینند. ترانه‌ها نیز سروده نوید اسماعیل زاده، محسن جعفری و زنده یاد عباس صبحی است.»

«و حرف پایانی...»

«از شما که این فرصت را در اختیار من گذاشتید تشکر می‌کنم. همچنین از خانواده، دوستان، همکاران و کسانی که تا کنون در موسیقی از آنها آموخته‌ام سپاسگزارم.»

